



۲۰۱۸/۱۰/۰۹



لینا روزبه حیدری

## تف به رویت

تف به رویت روزگار، ای ریشه ات خوار و جبون  
روزگار، ای روزگار، ای روز بی پروای دون  
تا به کی در چرخ بی معنای تو، معنا رود  
در کشاکش های دوران های تو، سینا رود  
این سیاهی تا به کی از چرخش ات زائل شود  
حقه ها در کام صد نیرنگ تو، باطل شود  
ای تو پیر بی مروت، در دو دست تو قفس  
ای به قلب تو تباهی، ای به دست تو نفس  
تا به کی در این ترازو، وزن ماتم می کشی  
بر کف دست و جبینم، خط صد غم می کشی  
خانه همسایه روشن، کوچه هایش پر صفا  
در میان خانه ما، اشک و ناله در عزا  
هر صداقت پیشه یی در جنگ تو محتاج نان  
هر ریاکاری ز لطف تو شهنشاه، شاه و خان  
روزگار، ای روزگار، ای تف به هر بود و نبود  
تف به رویت، تف به فالت، تف به تو چرخ کبود

